

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال پانزدهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۹: ۱۶۵ - ۱۴۹

تحلیل فقهی - حقوقی کودک‌همسری در پرتو انتقادات وارد بر آن؛

تلاشی برای ارائه پیشنهاد مطلوب

رسول بهرامپوری^۲

سعید سیاه بیدی کرمانشاهی^۱

محسن کوهستانی^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

چکیده

کودک‌همسری امروزه به یکی از دغدغه‌های فعالان اجتماعی تبدیل شده است. این موضوع از یک‌سو دارای صبغه تاریخی و شرعی است و از سوی دیگر دارای ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی، تربیتی و پزشکی می‌باشد. این پژوهش نشان می‌دهد اگرچه جواز کودک‌همسری از مسلمات فقهی است با توجه به اینکه می‌تواند از حیث روان‌شناختی، اجتماعی، تربیتی و پزشکی آثار بدی بر جسم و روح کودک داشته باشد از جهات گوناگون مورد انتقاد قرار گرفته و از دیرباز قانونگذار ایران درصدد برقراری ممنوعیت یا محدودیت برای آن بوده است؛ اما باید توجه کرد که این انتقادات به حکم شرعی جواز کودک‌همسری باز نمی‌گردد؛ بلکه انتقادات بر موارد سوءاستفاده از کودک‌همسری ناظر است. با توجه به وضعیت اخلاقی و فرهنگی جامعه امروزی و مشاهده موارد متعدد سوءاستفاده از نهاد کودک‌همسری به نظر می‌رسد حرکت قانونگذار به سمت نظارت بیش از پیش بر این مسئله کاملاً صحیح است؛ ولی نباید در این راه نیز دچار افراط شد. راه میانه پیشنهادی این است که قانونگذار اصولاً کودک‌همسری را ممنوع کند ولی به‌صورت کاملاً استثنایی که مصلحت اقتضا کند، آن را مجاز اعلام کند؛ به‌علاوه لازم است برای احراز مصلحت و نیز نظارت بر عدم وقوع مقاربت در کودکی تمهیداتی اندیشیده، و برای تخطی از آنها ضمانت‌اجرا تعیین شود. با این روش، ضمن رعایت شرع مقدس (و در پی آن پذیرش مسئله توسط شورای نگهبان و متشرعان جامعه) می‌توان به هدف نهایی دست یافت که جلوگیری از سوءاستفاده از کودک‌همسری است.

کلیدواژه‌ها: جواز شرعی کودک‌همسری، سوءاستفاده از قانون، حقوق کودکان در اسلام، حقوق کودک در ایران، ازدواج و کودکان.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران،

مقدمه

کودک‌همسری، حالتی است که سن یکی از زوجین یا هر دوی آنها در زمان ازدواج از سن بلوغ کمتر باشد. به لحاظ تاریخی در دوران پدرسالاری، کودک‌همسری رواج بیشتری داشته و در آن دوران هیچ‌گاه مشکل اجتماعی نبوده است؛ اما با پیشرفت جوامع بشری و افول پدرسالاری، ممنوعیت کودک‌همسری نیز پررنگ شد. این مسئله موافقان و مخالفان متعددی دارد و از دیرباز در کتابهای فقهی درباره آن صحبت شده است. از یک سو موضوع کودک‌همسری، پیشینه فقهی دارد و فقها فتاوی متعددی در این زمینه ارائه کرده‌اند و از سوی دیگر از نخستین متن قانون مدنی درباره نکاح و خانواده (مصوب ۱۳۱۴) این موضوع مورد نظر بوده و در ماده ۱۰۴۱ این قانون محدودیتهایی برای این نوع نکاح پیش‌بینی شده است.

از دیربازی قانونگذار ایران با توجه به وضعیت جامعه درصدد محدود کردن امکان ازدواج کودکان بوده است. سن بلوغ برای نکاح از آغاز تدوین قانون مدنی تاکنون دستخوش تحولات گوناگونی شده که ملاحظه سیر تاریخی و افراط و تفریط‌هایی که در این زمینه شده، عبرت‌انگیز است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۶). ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴، که اولین متن قانونی در زمینه کودک‌همسری بود، مقرر می‌کرد: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است؛ در عین حال در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنای معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.»

قانونگذار در سال ۱۳۵۳ پا را فراتر نهاد و در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده ازدواج زنان قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مردان قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام را بدون حکم دادگاه ممنوع اعلام کرد. این ماده از این لحاظ شایسته انتقاد بود که با اوضاع و احوال اجتماعی و عرف و سنت مردم هماهنگی نداشت (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۷۲). پس از انقلاب اسلامی و نهضت بازگشت به احکام اسلام بشدت از رویکرد افراطی سال ۱۳۵۳ برگشت، و در اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مقرر شد: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.»

تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه. این ماده در سال ۱۳۷۰ با اصلاح عبارتی مختصری به این صورت درآمد: «عقد نکاح قبل از بلوغ

با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح است.» مطابق این ماده هیچ «حداقل سنی» برای نکاح نبود و با رعایت شرایط این ماده در هر سنی (قبل از بلوغ) امکان ازدواج وجود داشت. با توجه به اینکه بدون نظارت قراردادن ولی در رعایت مصلحت کودک ممکن است در عمل نتایج زیانباری به وجود آید، قانونگذار در سال ۱۳۸۱ تشخیص مصلحت را از اختیار ولی خارج، و به شخصی بیطرف یعنی قاضی دادگاه واگذار کرد. مطابق ماده ۱۰۴۱ فعلی قانون مدنی: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.» این ماده صرف نظر از ایرادات آن (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۷۵) در حال حاضر لازم الاجراست و تخطی از آن مطابق ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ جرم به شمار می‌رود^۱.

با توجه به اینکه مسئله کودک همسری با انتقاداتی از حیث روانشناختی، پزشکی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو شد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مهر ماه ۱۳۹۷ طرحی با عنوان «اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی» ارائه کردند که در رسانه‌ها با عنوان «طرح ممنوعیت کودک همسری» معروف شد. این طرح به دنبال ساماندهی وضعیت کودک همسری در کشور بود تا از اینکه جواز شرعی و قانونی این نوع ازدواج، موجب سوءاستفاده از کودکان و تحمیل آثار جبران‌ناپذیر بر فرد و جامعه شود، جلوگیری کند.

مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت کودک همسری در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران چگونه بوده و چه ممنوعیتها، محدودیتها و ضوابطی بر آن وارد شده است و چگونه می‌توان به وضعیت مطلوب نزدیک شد.

کودک همسری در فقه اسلامی در قالب موضوع نکاح افراد (مذکر و مؤنث) غیربالغ از ابتدا مورد توجه بوده است و فقها مبتنی بر دلائل بویژه ادله لفظی به جواز این نوع نکاح نظر داده‌اند. در این بند به منظور بررسی وضعیت نکاح این افراد در فقه اسلامی، نخست پیشینه و امضایی بودن احکام مربوط به این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه، دلالت آیات قرآن کریم و روایات درباره موضوع نکاح افراد غیربالغ بیان، و در پایان، دیدگاه فقیهان امامیه درباره این

۱. ماده ۵۰: «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه این ازدواج به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.»

موضوع بررسی و تحلیل می‌شود.

تشکیل خانواده از اموری است که بشر از آغاز پیدایش به آن نظر داشته و نکاح از دیرینه‌ترین نهاد‌های حقوقی است که پدید آمده و احکام و آثار آن از دیرباز در جوامع گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است و در هر جامعه‌ای، ممنوعیت‌ها و الزاماتی در این زمینه بوده و نکاح، موجد حقوق و تکالیف متعدد و بعضاً متفاوتی (در جوامع متفاوت) برای طرفین آن بوده است. بر این اساس نکاح از مباحثی است که پیش از ظهور اسلام و شکل‌گیری نظام حقوقی مبتنی بر احکام اسلامی بوده است.

اعراب پیش از اسلام به دلیل فاصله گرفتن از ادیان توحیدی در نظام حقوقی خانواده از مسلک و دین خاصی پیروی نمی‌کردند و اقسام ازدواج در این جامعه تا دوازده مورد^۱ بیان شده است که بیشتر آنها در نظام اسلامی، ممنوع و حرام اعلام شد و برخی نیز (همانند نکاح بعوله) با تغییرات جزئی در احکام، مورد پذیرش اسلام قرار گرفت. اعراب پیش از اسلام درباره نکاح، برخی محدودیتها و شرایطی داشتند که فقه اسلامی با توجه به مناسب بودن این شرایط، به پذیرش و امضای این احکام اقدام کرد؛ به عنوان مثال احکام مهریه و ممنوع بودن نکاح با محارم بر جای مانده از دوران پیش از اسلام است (منتظری مقدم، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

با توجه به این مطالب، ملاحظه می‌شود که اصل نکاح و برخی شرایط و ممنوعیتها در نظام حقوقی اسلام، امضایی است نه تأسیسی؛ بدین معنی که فقه اسلامی، احکامی را تأیید کرده که پیش از اسلام وجود داشته است (فیاضی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) و بر همین اساس، دین اسلام، برخی اقسام نکاح را که با مبانی و بنیانهای این دین ناسازگار بود، ممنوع و حرام اعلام و برخی از اقسام آن را تأیید کرد و به امضا رساند که این موارد با مقتضیات زمان و نیازهای جامعه اسلامی در آن برهه زمانی مطابق بود و برخی از آنها، پس از تغییر وضعیت زندگی اجتماعی متعاقباً از صحنه جامعه مسلمین محو شد؛ همانند نکاح با کنیز که به رغم جواز ابتدایی آن به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی مطرود و حذف شد.

در احکام مربوط به نکاح بویژه نکاح بعوله، که بیشترین همانندی را با نکاح امروزی داشت و در آن چندهمسری برای مرد، مجاز و برای زن، ممنوع بود، محدودیتی از حیث سن زوجین نبود و

۱. نکاح بعوله، ضیون، متعه، شغار، جمع بین‌الاحتین، استبضاع، مضامده، بدل، مخادنه، نکاح با کنیز، رهط، صاحب رایه. برای مطالعه بیشتر ر.ک: نصیری، محمد، (۱۳۹۶)، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ج پنجاه و ششم، قم، نشر معارف.

اصل نکاح افراد غیر بالغ، ممنوع نبود و این نکاح در مرحله انعقاد و سپس ایجاد زناشویی، شرایط و احکامی داشت؛ این مورد از جمله موضوعاتی بود که احکام نکاح اعراب پیش از اسلام، مورد تأیید فقه اسلامی قرار گرفت (مشهدی علی پور، ۱۳۹۱: ۹۷)؛ بدین ترتیب می توان قائل بود که احکام مربوط به تجویز نکاح افراد غیر بالغ در فقه اسلامی مبتنی بر عرف حاکم بر جامعه اعراب در هنگام ظهور دین اسلام بوده است. در قرآن کریم نیز بیشترین کاربرد واژه عرف مربوط به موضوع نکاح و تنظیم روابط میان زوجین است (ابن تراب، ۱۳۸۹: ۸۹) و مبتنی بودن احکام نکاح بر عرف و تأثیر شایان توجهی که عرف این بر احکام دارد، واضح و روشن است به گونه ای که در مواردی مشاهده می شود برخی احکام مربوط به نکاح (مانند نکاح با کنیز)، که در آغاز به دلیل مطابقت با وضعیت اجتماعی مورد تأیید اسلام قرار گرفته بود با تغییر اوضاع اجتماعی و فرهنگی از صحنه زندگی مسلمین محو شد.

با بررسی آیات قرآن کریم، مشاهده می شود که هیچ یک از آیات این کتاب شریف به موضوع نکاح افراد غیر بالغ صراحتاً نپرداخته است؛ با وجود این برخی مفسران بر این اعتقاد هستند که آیه چهارم سوره مبارکه طلاق، به صورت ضمنی به امکان ازدواج دختران غیر بالغ اشاره می کند:

«و از زنان شما آنان که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها تردید دارید، عده آنان سه ماه است و عده زنانی که عادت ماهانه ندیده اند نیز به همان اندازه است و عده زنان باردار این است که وضع حمل کنند و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند، کار را بر او آسان می سازد.»

در میان مفسران اهل سنت، وهبه الزحیلی (الزحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۲۷۹) و فخرالدین رازی (الرازی، ۱۴۱۰ ق: ۳۵) بر این اعتقاد هستند که این آیه در عبارت «زنانی که عادت ماهانه ندیده اند» به دختران صغیر اشاره می کند و بر این اساس بیان می کنند که این آیه صحت چنین نکاحی را مطرح می کند؛ اما بنا بر نظر مفسران شیعه، چنین استنباطی از آیه می کند صحیح و کامل نیست و آیه شریفه درباره زنانی است که اگرچه در سن عادت ماهانه قرار دارند به علتی همانند بیماری، عادت ماهانه نمی شوند و این آیه به عده دختران صغیر اشاره نمی کند (علامه طباطبایی، ۱۳۷۰: ۵۳۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۲۲۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶: ۲۷۳؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۳۱). البته باید گفت آیات

قرآن در مورد ازدواج نظیر آیه سوم سوره مبارکه نساء^۱ و آیه سی و دوم سوره مبارکه نور^۲، اطلاق، و این امکان را دارد که علاوه بر نکاح کبیر، نکاح صغیر را نیز دربرگیرد.

به‌رغم نبود آیه‌ای در قرآن کریم، که صریح یا ضمنی درباره ازدواج افراد غیر بالغ، حکمی بیان کند، روایات متعددی از ائمه معصومین (ع) در مورد صحت چنین نکاحی نقل شده است؛ به‌عنوان مثال شخصی در پرسش از حضرت امام کاظم (ع) بیان می‌کند که چنانچه من دختر یا پسر صغیرم را به نکاح شخص دیگری درآورم، آیا وی پس از رسیدن به سن بلوغ اگر به این نکاح ناراضی باشد، می‌تواند این نکاح را فسخ کند. حضرت در پاسخ می‌فرماید چنانچه این نکاح با اذن ولی انجام شده باشد، ایرادی بر آن وارد نیست (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ ق: ۲۳۶). هم‌چنین در پاسخ به این پرسش که چنانچه پدری دختر صغیرش را به ازدواج مردی درآورد، آیا این دختر پس رسیدن به بلوغ اختیار فسخ نکاح را خواهد داشت، حضرت امام جعفر صادق (ع) بیان می‌کند که نکاح، صحیح و نافذ است و زوجه حق فسخ نکاح را ندارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۷۶). در روایت دیگری، این حضرت در پاسخ به این سؤال که مردی به ولایت از پسر صغیر خود برای وی زوجه اختیار کرده است، آیا این نکاح صحیح است، بیان می‌کند که این نکاح صحیح است و ایرادی ندارد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷ ق: ۶).

تعداد روایاتی که در صحت نکاح صغیر نقل شده به اندازه‌ای است که در برخی کتابهای روایی، باب مستقلی به این موضوع اختصاص یافته است؛ به‌عنوان مثال در کتاب «الاستبصار» شیخ طوسی، باب «چنانچه پدری دختر صغیرش را قبل از بلوغ شوهر دهد، دختر پس از رسیدن به بلوغ حق فسخ نکاح را ندارد»^۳ به این موضوع می‌پردازد و علاوه بر روایاتی که بیانگر صحت نکاح پدر یا جد پدری برای دختر غیر بالغ است، روایاتی را بیان می‌کند که بر صحت نکاح پدر یا جد پدری برای پسر غیر بالغ نیز دلالت دارد.

در دیدگاه فقهای شیعه درباره صحت ازدواج شخص غیر بالغ (دختر و پسر) اختلافی مشاهده نمی‌شود و فقها به صحت نکاح ولی (پدر یا جد پدری) برای فرد غیر بالغ قائل هستند. شیخ مفید در این زمینه بیان می‌کند که چنانچه ولی، دختر صغیر را شوهر دهد، این نکاح صحیح است و دختر پس از رسیدن به سن بلوغ، اختیار فسخ آن را نخواهد داشت (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۵۱۰).

۱. فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ.

۲. وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ.

۳. بَابُ أَنْ الْأَبَ إِذَا عَقَدَ عَلَى ابْنَتِهِ الصَّغِيرَةِ قَبْلَ أَنْ تَبْلُغَ لَمْ يَكُنْ لَهَا عِنْدَ الْبُلُوغِ خِيَارٌ.

سید مرتضی نیز چنین نکاحی را صحیح می‌داند و بیان می‌کند که پدر و جد پدری، اختیار تزویج دختر صغیره را دارند و هر کدام مقدم بر دیگری اقدام کند، عمل وی نافذ و منشأ اثر است (مرتضی شریف، ۱۴۱۵ ق: ۲۸۶). ابوصلاح حلبی نیز موافق این نظر است (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳ ق: ۲۹۲) و ابن زهره نیز بیان می‌کند که چنین نکاحی صحیح است و فقهای شیعه در این باره اختلافی ندارند (ابن زهره، ۱۴۱۷ ق: ۳۴۲). دیگر فقهای امامیه نیز این عقیده را بیان می‌کنند که نکاح صغیر توسط پدر یا جد پدری صحیح است و پس از رسیدن وی به سن بلوغ، اختیار فسخ نکاح را ندارد (ابن‌ادریس حلبی، ۱۴۱۰ ق: ۵۶۰؛ قاضی ابن‌براج، ۱۴۰۶ ق: ۱۹۳؛ محقق حلبی، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۰؛ علامه حلبی، ۱۴۱۱ ق: ۱۳۴؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ق: ۱۶؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ق: ۱۷۵؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق: ۹۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ۱۱۷؛ صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴ ق: ۱۷۰؛ شیخ مرتضی انصاری، ۱۴۲۱ ق: ۱۵۰، سید یزدی، ۱۴۰۹ ق: ۸۶۴؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳: ۱۳۳؛ سید محسن حکیم، ۱۴۱۰ ق: ۲۷۶).

تنها قول متفاوتی که در میان فقهای شیعه مشاهده می‌شود، قولی از ابن‌ابی‌عقیل است که آن هم به عدم جواز ازدواج صغیر مربوط نیست؛ بلکه وی معتقد است که صرفاً پدر مجاز به تزویج صغیر، و جد پدری فاقد این اختیار است (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق: ۹۳) که این قول با توجه به روایت صحیح‌ه عبدالله ابن سنان از امام جعفر صادق(ع) که می‌فرمایند «آن کس که ولی شخص است، اختیار نکاح را نیز بر عهده دارد»^۱ و با عنایت به اینکه در ولی‌بودن جد پدری در میان فقها تردیدی وجود ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ۱۱۷)، مرجوح مانده است و فقها این قول را رد می‌کنند و آن را مغایر روایات صحیح می‌دانند. شیخ طوسی در کتاب «الخلافا»، پس از اینکه صحت تزویج دختر یا پسر صغیر را از جانب ولی بیان می‌کند، ابوحنیفه در فقه اهل تسنن را نیز بر این نظر می‌داند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۲۶۴).

روش

تحقیق پیش رو را باید تبیینی دانست که بر روش تحلیلی - توصیفی مبتنی است. در این نوشتار پس از طرح موضوع کودک همسری در فقه اسلامی به‌عنوان مبانی پژوهش، انتقادات وارد بر کودک همسری و وضعیت قانونگذاری در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس حکم فقه

۱. أَلَدَى بِنْدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ هُوَ وَوَلِي أُمْرَهَا.

اسلامی مبنی بر تجویز کودک‌همسری در پرتو انتقادات، و هم‌چنین طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در مجلس شورای اسلامی ارزیابی و تحلیل می‌شود.

یافته‌ها

موضوع کودک‌همسری از حیث روانشناختی، تربیتی، اجتماعی و پزشکی منشأ بروز مشکلات فراوانی برای فرد و جامعه است که بر این اساس، انتقاداتی بر آن وارد است که در این بند به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از حیث روانشناختی: یکی از شاخصترین و مهمترین مؤلفه‌های زندگی مشترک، رابطه جنسی سالم، متعارف و رضایت‌بخش برای زوجین است که این روابط در چارچوب ازدواج و به صورت مشروع شکل می‌گیرد که رکن اساسی آن، برخورداری طرفین از آمادگی جسمی، جنسی، روانی و اجتماعی است؛ اما به سبب برخی محدودیتها و عوامل که عمدتاً ریشه فرهنگی یا اقتصادی دارد برای تعدادی از دختران و پسران، این ارتباط و پیوند مهم و حیاتی، قبل از سنی صورت می‌گیرد که یکی از طرفین یا هر دوی آنها، آمادگی کافی برای آن را ندارند و این موضوع نه تنها هنگام وقوع این روابط، موجب لطمات جبران‌ناپذیری بر جسم و روح فرد می‌شود، بلکه آثار و پیامدهای جسمی، جنسی و روانی ناگوار و بلندمدتی بویژه برای دختران به دنبال خواهد داشت (مقدماتی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۳۵).

افرادی که معمولاً به سبب فقر اقتصادی یا فرهنگی خانواده خود در کودکی به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک مجبور می‌شوند (بویژه دختران)، اغلب از آموزشهای لازم برای شروع زندگی مشترک و برقراری روابط جنسی سالم و متعارف بی‌بهره هستند و این امر علاوه بر اینکه امکان ابتلای این افراد را به بیماریهای مقاربتی افزایش می‌دهد، موجب می‌شود که مورد خشونت‌های جنسی شریک زندگی قرار بگیرند که اغلب سن بیشتری از او دارد و این امر در طولانی‌مدت، عوارض جسمی و روحی جبران‌ناپذیری از خود بر جای خواهد گذاشت که در نهایت به اموری همانند فرار از منزل، فحشا و اعتیاد منجر می‌شود.

از حیث اجتماعی: جواز ازدواج کودکان با برخی سیاستهای اجتماعی دولت سازگار نیست؛ به عنوان مثال وقتی در جامعه امروزی حداقلی از تحصیل (تحصیلات ابتدایی) برای همه افراد اجباری است (قانون درباره آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ۱۳۲۲)، نهادن بار

خانواده بر دوش کودک یا نوجوان مانع اجرای این سیاست خواهد بود؛ زیرا مسائل خانوادگی فراغت لازم را برای تحصیل از بین می‌برد و آن را دشوار می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۷۳). هم‌چنین با توجه به اوضاع اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، ازدواج دختر در کودکی موجب جلوگیری وی (از جانب زوج یا مدارس) از ادامه تحصیل می‌شود و این امر نه تنها آینده تحصیلی و شغلی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه مرحله‌ای از فرایند اجتماعی شدن وی ناقص می‌ماند و به بروز ناهنجاریهای اجتماعی منجر می‌شود.

از حیث تربیتی: برخی گفته‌اند فرزندان پدر و مادر خیلی جوان از نظر قوای عقلی و هوشی ضعیف می‌شوند (شایگان، ۱۳۲۴: ۶۱۳). اگرچه ممکن است این گفته از نظر فیزیولوژیکی مورد تردید باشد، نمی‌توان منکر شد که شیطنتها و بازیگوشیهای کودکانه مانع پرداختن به فرزند و فداکاری برای اوست (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۷۳) و آثار بدی بر تربیت فرزندان خواهد داشت. از سوی دیگر، ازدواج در کودکی و در پی آن، اموری همانند ترک تحصیل در فرایند تربیتی فرد تأثیرگذار است و این موضوع سبب می‌شود که این فرد در تربیت فرزندان خود نیز توانایی کافی را نداشته باشد.

از حیث خطرهای جسمی: ازدواج در کودکی سبب بروز بارداریهای ناخواسته می‌شود و با توجه به آمادگی جسمی کافی نداشتن برای این امر در بسیاری موارد، موجب سقط جنین و به خطر افتادن سلامت باروری زوجه می‌گردد. هم‌چنین در مقدمه توجیهی طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی موسوم به طرح «ممنوعیت کودک همسری» آمده است: «براساس تحقیقات، بین سن مادر و میزان مرگ و میر ناشی از وضع حمل رابطه معنی داری وجود دارد. دخترانی که در سالهای ده تا چهارده باردار می‌شوند، پنج برابر بیشتر از زنان بارداری که در سن بیست تا بیست و چهار ساله قرار دارند پس از زایمان دچار ضایعه مرگ می‌شوند. هم‌چنین تلف شدن جنین در این سالها بیشتر اتفاق می‌افتد و تأثیرات زایمان زود هنگام تا پایان عمر بر جسم مادر باقی می‌ماند.» به علاوه رابطه جنسی یا کودک یا فرد نوبالغ، سلامتی جسمی وی را با خطر جدی روبه‌رو می‌سازد و آثار آن می‌تواند تا پایان عمر گریبانگیر وی شود.

ارزیابی حکم اسلام مبنی بر تجویز کودک همسری در پرتو انتقادات: بی‌تردید احکام اسلام همه بر مصالح و مفاسد مبتنی هستند (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۷) که حکم جواز نکاح قبل از بلوغ نیز یکی از آنها است. از سوی دیگر هر عقل سلیمی مفاسد کودک همسری را بروشنی درک می‌کند. در این حالت آیا می‌توان گفت که اسلام بدون در نظر گرفتن این مفاسد حکم به جواز چنین

ازدواجی داده است؟

ب. به نظر می‌رسد برای درک حکم اسلام در این زمینه لازم است به نکات ذیل توجه شود:
الف. حکم جواز نکاح با کودک در اسلام مناسب جوامعی است که مردمان آن از ظرفیت وجودی زیادی برخوردارند و به احکام الهی با دیده احترام می‌نگرند (ر.ک. چگنی و سیاه‌بیدی، ۱۳۹۷: ۸۹) و چنانچه در جامعه‌ای این ارزشها کمرنگ شده، و میل به «لذت‌جویی فردی» در افراد جامعه بیش از میل به پابندی به اخلاقیات باشد، احتمال اینکه از حکم جواز نکاح با فرد نابالغ در راستای لذت‌جویی افراطی سوءاستفاده شود، افزایش می‌یابد؛ لذا در چنین حالتی سخن از جواز مطلق کودک‌همسری بدون نظارت بر آن، نمی‌تواند اهدافی را برآورده سازد که شارع مقدس از قراردادن این حکم داشته است و حتی به سوءاستفاده منجر خواهد شد.

ب. اگرچه ازدواج قبل از بلوغ در اسلام به رسمیت شناخته شده است با توجه به آثار بد جسمانی و روانی مقاربت با کودک از همان ابتدا نزدیکی با همسر خردسال ممنوع شده است (شهید اول، ۱۴۱۰: ۱۷۴؛ یزدی، ۱۴۰۹: ۸۱۱؛ خویی ۱۴۱۸: ۱۲۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۲۴۱) و به این دلیل که در غالب موارد، صرف ایجاد ممنوعیت برای بسیاری از افراد، بازدارندگی کافی را ندارد، شارع مقدس یا مقنن، مواردی را به‌عنوان مجازات دنیوی فاعل این عمل تعیین کرده است تا انگیزه ارتکاب این عمل را هرچه بیشتر از بین ببرد. این مجازات‌ها عبارت است از اینکه چنانچه به هر علت این مقاربت صورت پذیرد و به نقص جسمانی (افضای همسر) منجر گردد برای این عمل مجازات (ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) تعیین شده و مرد علاوه بر لزوم پرداخت تمام مهر، مکلف است دیه کامل زن را نیز بپردازد و هم‌چنین نفقه زن نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است؛ هرچند او را طلاق داده باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۲). علاوه بر این موارد، همسر تا ابد بر شوهر حرام می‌شود؛ یعنی حتی اگر طلاق هم صورت نپذیرد، مرد دیگر نمی‌تواند با این زن نزدیکی کند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۴). در واقع یکی از اهداف اصلی تعیین این مجازات‌ها پیشگیری از نزدیکی با کودکان است.

ج. اسلام به انسان به دیده سالک می‌نگرد؛ یعنی فردی که در مرکز توجه قرار می‌گیرد، همان سالک است که فطرتی خداجو دارد و قرار است از هر فرصتی به‌منظور نزدیکی به ذات احدیت بهره ببرد؛ لذا می‌توان گفت اصل این است که هرکس خود مصلحت خویش را بیابد و برای قرب خود تدارک ببیند و از جمله موجبات نکاح را فراهم سازد؛ اما اگر در موارد استثنایی به تشخیص ولی دلسوز، که او هم در جهت الهی میل به رشد دادن طفل دارد، شرایطی ایجاب کرد که ازدواج

طفل در جهت مصلحت قریبی او بود، می‌تواند او را به عقد نکاح درآورد؛ هرچند این موارد نادر است، شارع به ترک این احتمال هم راضی نبوده است (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۸۲).

در مقام جمع‌بندی باید بیان کرد که حکم اسلام دربارهٔ جواز کودک همسری به خودی خود عیبی ندارد؛ بلکه عیب زمانی به وجود می‌آید که برخی می‌خواهند از این جواز شرعی سوءاستفاده کنند و احکام اسلام را دستاویز لذت‌جویی قرار دهند. در واقع این حکم اسلام نیز «دارویی خاص برای موقعیت خاص» است و نبوده است که این جواز به وسیله‌ای برای سوءاستفاده تبدیل شود؛ بلکه این حکم اسلام نیز همانند حکم جواز ازدواج موقت با توجه به اینکه در جای مناسب خود استفاده نشده و راهی برای سوءاستفاده افراد لذت‌طلب شده است در شرایط فعلی جامعه نامأنوس شده است و غیرمنطقی جلوه می‌کند.

ارزیابی طرح مجلس شورای اسلامی برای سامان‌دهی کودک همسری: به منظور ارزیابی طرح مجلس شورای اسلامی با عنوان «طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱» در مهر ماه ۱۳۹۷ برای سامان‌دهی موضوع کودک همسری و محدود کردن دامنه آن، لازم است مشکل کودک همسری و منشأ آن بررسی، و پس از آن چگونگی حل این مشکل توسط طرح مجلس شورای اسلامی تحلیل شود.

در شناخت مشکل کودک همسری توجه به این دو مثال راهگشاست:

الف. برخی افراد بالغ و بعضاً مسن به دلایلی که می‌تواند حتی در مشکلات روانشناختی نظیر پدوفیلیا^۱ ریشه داشته باشد، مایلند با کودکان ازدواج کنند و برای این منظور طبعاً سراغ خانواده‌های فقیر و بی‌بضاعت می‌روند و با سوءاستفاده از وضعیت خانواده، دختر آنها را به نکاح خود در می‌آورند.

ب. دو خانواده با توجه به شناختی که از یکدیگر دارند و با توجه به مصالح فرزندانشان، قدری پیش از بلوغ دختر، وی را به نکاح پسری درمی‌آورند که چندین سال از او بزرگتر است تا پس از رسیدن به سن استقلال، زندگی مشترکشان را شروع کنند.

کدام یک از این مثالها نشانگر یک مشکل اجتماعی است؟ به نظر می‌رسد آنچه امروزه به عنوان مشکل کودک همسری مطرح شده است، رفتار برخی افراد لذت‌جو در سوءاستفاده از جواز کودک همسری (مثال نخست) است. در واقع این امر، که به نوعی به برده‌داری جنسی و فروش

فرزند مشابهت دارد و در تمامی جوامع پیشرفته دنیا ممنوع است و هر انسان آگاهی نیز این پدیده را مذموم می‌داند، مشکلی اجتماعی است نه مثال دوم. مشاجرات موافقان و مخالفان کودک همسری نیز تا اندازه‌ای به عدم تفکیک این دو وضعیت باز می‌گردد.

با توجه به این مطالب، طرح پیشنهادی مجلس از دیدگاه بند «الف»، که مشکل اجتماعی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مهر ماه سال ۱۳۹۷ طرحی با عنوان «طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱» از سوی مجلس اعلام وصول شد که در رسانه‌ها به «طرح ممنوعیت کودک همسری» معروف شد. در این طرح، پیشنهاددهندگان با بیان پیامدهای منفی ازدواج زود هنگام نظیر آسیب جسمانی، اختلالات روحی و روانی، محرومیت از تحصیل، مشکلات تربیت فرزند و افزایش طلاق، پیشنهاد کرده‌اند ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به این شرح اصلاح شود:

«عقد نکاح دختر قبل از سیزده سال تمام شمسی و پسر قبل از شانزده سال تمام شمسی، ممنوع است.

تبصره - حداقل سن ازدواج در دختر شانزده سال تمام شمسی و در پسر هجده سال شمسی است. عقد ازدواج بین سنین سیزده تا شانزده در دختران و شانزده تا هجده در پسران منوط به اذن وگی و رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه به شرط داشتن توان صحت جسمی برای تزویج با نظر پزشکی قانونی است.»

این طرح ایرادات متعددی به این شرح دارد:

الف. با مسلمات فقه امامیه مبنی بر جواز نکاح صغیر (نکاح ولایتی) مغایرت دارد که سابقاً شرح آن گذشت.

ب. مبنای تعیین سن شانزده سال برای دختران و هجده سال برای پسران مشخص نیست (دفتر مطالعات حقوقی معاونت پژوهشهای سیاسی - حقوقی، ۱۳۹۷: ۲).

ج. در این طرح، ازدواج در سالهای شانزده تا هجده برای پسران و سیزده تا شانزده سالگی برای دختران را به وجود توان جسمی برای تزویج با نظر پزشکی قانونی منوط دانسته است. این حکم ازدواج برخی افراد نظیر معلولانی که توان جسمی لازم را ندارند نیز ممنوع می‌کند و در مغایرت صریح با حقوق انسانی این افراد است (دفتر مطالعات حقوقی معاونت پژوهشهای سیاسی - حقوقی، ۱۳۹۸: ۲).

به‌رغم این ایرادات با نگاهی منصفانه می‌توان بیان کرد که طرح مجلس شورای اسلامی، گامی

به جلو به شمار می‌رود که سعی می‌کند تا اندازه‌ای در حل این مشکل بکوشد و نباید مشابه موضعی که در گزارشهای مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی منعکس شده است (دفتر مطالعات حقوقی معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، ۱۳۹۷: ۲؛ دفتر مطالعات حقوقی معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، ۱۳۹۸: ۲) با این طرح مخالفت کرد یا آن را به فراموشی سپرد؛ بلکه باید با اصلاحاتی به شرح ذیل آن را احیا کرده و در راستای اجرای آن کوشید:

الف. در این طرح نباید ازدواج قبل از بلوغ بکلی ممنوع شود، بلکه باید با توجه به اینکه غالباً این ازدواجها به مصلحت کودک نیست، آنها را به‌عنوان حکم اولیه ممنوع کرد؛ ولی استثنائاً در مواردی که مصلحت مهمتری وجود دارد، تجویز شود؛ به عبارت دیگر مقرر کند ازدواج قبل از قبول ممنوع است مگر در صورت وجود مصلحت قابل توجه برای صغیر؛ لیکن برای اینکه اولیای طفل (که ممکن است در برخی موارد ناصالح باشند) خود را آزاد نبینند، لازم است احراز این مصلحت به دادگاه واگذار، و در هر مورد خاص، اجازه‌نامه از دادگاه صالح گرفته شود. در این حالت در عین موافقت با احکام فقهی (که با لحاظ مسائل روانشناختی و در نظر گرفتن شرایط جسمی و روحی غالب انسانها صادر شده است)، دادگاه نیز هیچ‌گاه اجازه نخواهد داد سوءاستفاده‌هایی نظیر مثال نخست روی دهد؛ حتی می‌توان دادگاه را ملزم کرد دربارهٔ احراز مصلحت طفل، نظر یک هیئت کارشناسی مرکب از کارشناسان رشته روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و... را پیش از صدور حکم بگیرد و با عنایت به نظر این هیئت تصمیم‌گیری کند.

ب. لازم است در زمینه تعیین سن شانزده سال برای دختر و هجده سال برای پسر، بررسی کارشناسانه صورت پذیرد و با بررسی جامعه آماری با تنوع جغرافیایی، فرهنگی و بومی مختلف، سنی تعیین شود که معمول افراد جامعه آمادگی ازدواج می‌یابند، که پس از رسیدن به این سن، افراد بدون نیاز به حکم دادگاه قادر به ازدواج باشند.

ج. لازم است حکم ماده به گونه‌ای نگاشته شود که مانع ازدواج معلولان نگردد؛ یعنی احراز توان جسمی برای مقاربت به مواردی منوط شود که امکان مقاربت فراهم است نه همه موارد.

د. لازم است در این طرح تا حدی به مسائل فرهنگی و تربیتی پرداخته، و سازوکاری تعبیه شود که مناطق پرخطر به لحاظ ازدواج زودهنگام شناسایی، و در این مناطق با برگزاری کلاسهای آموزشی و یاد دادن مفاسد ازدواج زودهنگام (در موارد فاقد مصلحت) و نیز مزایای ازدواج بموقع از میزان تمایل به این نوع ازدواج کاسته شود. هم‌چنین لازم است این طرح با اتخاذ تدابیری به‌منظور تبیین مواردی که ازدواج زودهنگام (با آموزش صحیح زوجین به‌منظور آمادگی جسمی و

روانی) با مصالح زوجین منطبق است، نگاه اجتماعی به آن را تغییر داد و آن را همانند دیگر نکاحها، معمول و مطابق با مصالح فردی و اجتماعی نشان دهد.

ه. لازم است در این طرح، اختلاف سن غیرمتعارف (به تشخیص دادگاه) برای مواردی که ازدواج زود هنگام تجویز می‌شود به‌عنوان یکی از موارد ممنوعیت نکاح مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا یکی از موارد غالب سوءاستفاده از ازدواج زود هنگام، نکاح افراد بزرگسال با کودکان است و در نکاح کودکان با یکدیگر این مفاسد کمتر مشاهده می‌شود.

و. لازم است در این طرح، موارد مرتبط با تحصیل و فعالیتهای اجتماعی زوجین نیز در نظر گرفته، و تدابیری اتخاذ شود که اشخاصی که زود هنگام ازدواج می‌کنند از حیث تحصیلی و فعالیتهای مدنی و اجتماعی دچار مشکل نشوند و از حقوق اجتماعی کامل همانند دیگر همسالان خود بهره‌مند شوند. به نظر می‌رسد چنانچه این طرح با این اصلاحات مدنظر قرار گیرد، هم مورد قبول موافقان طرح ممنوعیت کودک‌همسری است و هم مخالفان آن.

بحث و نتیجه‌گیری

کودک‌همسری به لحاظ تاریخی پیش از اسلام نیز بوده و دین اسلام با این حکم مخالفتی نکرده است. به‌رغم اینکه در قرآن کریم آیه‌ای به این موضوع صراحتاً نپرداخته است، روایات متعددی بر جواز ازدواج صغیر هست که به موجب آن ولی طفل می‌تواند وی را به نکاح دیگری درآورد. با عنایت به این روایات، فقهای امامیه نیز بر جواز این امر نظر داده‌اند و اختلافی میان آنها مشاهده نشد.

با توجه به اینکه کودک‌همسری از حیث روانشناختی، اجتماعی، تربیتی و پزشکی می‌تواند آثار سوئی بر جسم و روح کودک بر جای گذارد از جهات گوناگون مورد انتقاد قرار گرفته است؛ اما باید توجه کرد که این انتقادات به حکم شرعی جواز کودک‌همسری باز نمی‌گردد؛ بلکه انتقادات بر موارد سوءاستفاده از کودک‌همسری ناظر است و اصل جواز کودک‌همسری در شرع بر مصلحت مبتنی است و چنانچه از آن سوءاستفاده نشود به زیان کودک نیست؛ اگرچه باید توجه کرد که این موارد (سوءاستفاده کردن از جواز کودک‌همسری) بسیار استثنایی است.

به‌رغم جواز شرعی کودک‌همسری با توجه به امکان سوءاستفاده از این مسئله از دیرباز قانونگذار ایران در صدد ممنوعیت و یا لاقابل محدودیت آن بوده است و در حال حاضر نیز مجلس

شورای اسلامی طرحی با موضوع ممنوعیت کودک همسری در دست بررسی دارد. با توجه به وضعیت اخلاقی و فرهنگی جامعه امروزی، که در موارد متعددی سوءاستفاده از نهاد کودک همسری مشاهده می‌شود و نیز عنایت به آثار بد این پدیده، حرکت قانونگذار به سمت نظارت بیش از پیش بر این مسئله مورد تأیید است؛ اما نباید در این راه نیز دچار افراط شد. در طرح پیشنهادی مجلس به جای ارائه راه حل برای موضوع در واقع صورت مسئله پاک شده است؛ لذا لازم است در این طرح اصلاحاتی به عمل آید. راه میانه پیشنهادی این است که قانونگذار اصولاً کودک همسری را ممنوع کند؛ ولی به صورت کاملاً استثنایی که مصلحت اقتضا کند آن را مجاز اعلام نماید؛ به علاوه لازم است برای احراز مصلحت و نیز نظارت بر عدم وقوع مقاربت در کودکی تمهیداتی اندیشیده، و برای تخطی از آنها ضمانت اجرا تعیین شود. با این روش از یک سو شرع مقدس رعایت شده است و موضوع با مخالفت شورای نگهبان و متشرعان جامعه روبه‌رو نمی‌شود و از سوی دیگر هدف نهایی محقق می‌گردد که همان جلوگیری از سوءاستفاده از کودک همسری است.

منابع

- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحوی لتحریر الفتاوی، ج دوم، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌تراب، مریم (۱۳۸۹)، نقش عرف در حقوق همسران، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده، دوره پانزدهم، ش ۵۲.
- ابن‌زهره حلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق)، غنیه النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- ابوالصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین(ع).
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۶)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج نوزدهم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- بیگدلی، عطاءالله (۱۳۸۸)، مبانی انسان‌شناختی و فلسفه تاریخی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فقه امامیه و حقوق ایران، رهنمون، دوره نخست، ش ۲۶.
- چگنی، مهدی و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی مبانی انسان‌شناختی حقوق خانواده، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، دوره چهارم، ش ۱۲.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ج بیستم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۰۷ق)، موسوعه استدلالیه فی الفقه الاسلامی، ج شصت و چهارم، قم: مؤسسه الفکر الاسلامی.

حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۰ق)، **منهاج الصالحین**، ج دوم، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق)، **موسوعه الإمام الخویی**، ج سی و دوم، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی.

دفتر مطالعات حقوقی معاونت پژوهشهای سیاسی - حقوقی (۱۳۹۷)، **اظهارنظر کارشناسی درباره طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱**، مرکز پژوهشهای شورای اسلامی.

دفتر مطالعات حقوقی معاونت پژوهشهای سیاسی - حقوقی، (۱۳۹۸)، **اظهارنظر کارشناسی درباره طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱**، مرکز پژوهشهای شورای اسلامی.

الرازی، فخرالدین (۱۴۱۰ق)، **تفسیر الرازی**، ج سی ام، بیروت: دارالفکر المعاصر.
الزحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق)، **التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج**، ج بیست و هشتم، بیروت: دار الفکر المعاصر.

شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۰ق)، **اللمعه دمشقیه فی فقه الإمامیه**، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیه.
شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، ج هفتم، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

شیخ انصاری، مرتضی بن محمدامین دزفولی (۱۴۲۱ق)، **صیغ العقود و الإیقات**، قم: مجمع اندیشه اسلامی.
شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۹۰ق)، **الاستبصار فیما اختلف من الأخبار**، ج سوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، **الخلاص**، ج چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
شیخ مفید، محمدبن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، **المقنعه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

صاحب الجواهر، محمدحسن نجفی (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ج بیست و نهم، ج هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

صفای، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۰)، **مختصر حقوق خانواده**، ج بیست و هفتم، تهران: میزان.
علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۱۳ق)، **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۱ق)، **تبصره المتعلمین فی أحكام الدین**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

علامه طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰)، **تفسیر المیزان**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج نوزدهم، ج چهارم، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

فخرالمحققین حلّی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، ج سوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

فیاضی، مسعود (۱۳۹۴)، **ماهیت احکام امضایی**، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، دوره چهل و هفتم، ش ۱۰۲.
فیض کاشانی، محمدبن مرتضی (۱۳۷۳)، **التفسیر الصافی**، ج هفتم، ج سوم، تهران: مکتبه الصدر.

- قاضی ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، **المهذب (لابن البراج)**، ج دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، **حقوق مدنی: خانواده**، ج اول، ج پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاشف‌الغطاء، احمد بن علی بن محمدرضا نجفی (۱۴۲۳ق)، **سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادات**، ج چهارم، نجف اشرف: مؤسسه کاشف‌الغطاء.
- محقق ثانی، علی بن حسین عاملی کرکی (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج دوازدهم، ج دوم، قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام.
- محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج دوم، ج دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرتضی شریف، سید علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، **الانتصار فی انفرادات الامامیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مشهدی علی پور، مریم (۱۳۹۱)، **مطالعه تطبیقی جایگاه زن در جاهلیت، قرآن و سنت**، تهران: حکمت و دین پژوهی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، **اسلام و مقتضیات زمان**، ج دوم، ج دوازدهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، **آشنایی با قرآن**، ج هشتم، ج بیست و نهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مقدادی، محمدمهدی و جوادپور، مریم (۱۳۹۶)، **تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن**، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره یازدهم، ش ۴۰.
- منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۴)، **وضعیت زن در جاهلیت، تاریخ اسلام در آینه پژوهش**، دوره چهارم، ش ۸.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق)، **تحریر الوسیله**، ج دوم، قم: انتشارات دارالعلم.
- نصیری، محمد (۱۳۹۶)، **تاریخ تحلیلی صدر اسلام**، ج پنجاه و ششم، قم: نشر معارف.
- یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی (۱۴۰۹ق)، **العروه الوثقی**، ج دوم، ج دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.